**

*اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم*

خارج فقه ج 32 – 26/8/1400

*موضوع:* كتاب الطهارة/الاستنجاء /

بحث این است که آیا استنجاء به سه سنگ وجوب آن تعبدی است یا نه ؟ ( اکثرا وجوب آن را تعبدی می دانند ) دو دسته روایت بود که دسته اول وجوب تعبدی است و روایات آن خوانده شد اما دسته دوم روایاتی که کمتر از سه تا کافی است اگر پاکی حاصل شود و روایات این دسته علی اقسام :

قسم اول : مطلق است یعنی عدد را ذکر نکرده و فقط اشاره به حصول پاکی کرده است.

روایت اول: موثقه یونس بن یعقوب که گذشت که یغسل ذکره و یذهب الغائط و مقید نکرد که این اذهاب و از بین بردن چند بار باشد

اشکال مرحوم شیخ انصاری بر دلالت این روایت : این روایت اشاره ای به تمسح و استنجاء ندارد بلکه یذهب الغائط اشاره به شستن دارد

قرینه اول ایشان : سوال در متن روایت از وضو است و وضو با آب است

قرینه دوم : یغسل ذکره نشان می دهد که مراد از تغسیل آب است بعد فرمودند که آنچه که با اذهاب غائط انجام می شود طبق سیاق روایت کشیدن استفاده نمی شود

روایت دوم : که یجزی من الغائط المسح بالاحجار است و مطلق است و عدد ذکر نشده است

اشکال : که اگر بخواهید این روایت حمل بر اطلاق شود لازمه اش این است که مسح مخرج به یک حجر کافی است در حالی که کسی یک بار را کافی نمی داند چون اگر علمای عدد گفته اند که اقل جمع ثلاثه است این در جایی است که جمع نکره باشد اما جایی که جمع معرفه و محلی به ال باشد در آنجا اگر بخواهید از خود متن احجار استفاده شود می‌بینیم که الف و لام الاحجار جنس است و ال جنس هم بر یک و دو و سه اطلاق می شود لذا می توان بگوییم که منظور از اجزاء از یک سنگ هست به بالا پس نمی توان از این روایت استفاده کرد بلکه این روایت حمل شود بر اصل

قسم دوم : مقیده است. مقید به نقاء و پاکی است مثل حسنه ابن مغیره که از امام حد استنجاء پرسید امام علیه السلام فرمود پاک کن آنجا را ، محمد بن يعقوب، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن المغيرة، عن أبي الحسن عليه السلام قال: قلت له: للاستنجاء حد؟ قال: لا، ينقي ماثمة، قلت: ينفي ماثمة ويبقی الریح قال : الريح لا ينظر إليها.

اشکال :

اولا : این روایت در مقام استنجاء به آب است نه سنگ. قرینه، سوال و جوابی است که شده که قلت ینفی ماثمة و یبقی الریح که اگر بوی آن باقی باشد اما اگر اثر آن نباشد پاک می شود ؟ فقها فرمودند که این یبقی الریح یعنی با دست شسته و دست را بو می کند و از این بدست می آید که استنجاء به سنگ نداشته است

ثانیا : امام در مقام بیان حد استنجاء می باشد نه در مقام بیان( ما یستنجیٰ به ) اینکه به چه چیزی استنجاء می شود ؟ که حد آن نقاء است

اما جواب از اشکال اول : در جواهر ج ۲ ص ۳۸ آمده که سوال از بو نشان می دهد که استنجاء با سنگ است چون غالبا با استنجاء با آب ، بو باقی نمی ماند

جواب از اشکال دوم : این اشکال مخالف با قول امام در روایت است که الریح لا ینظر إلیها یعنی لا یلتفت بها و منظور امام این است که اگر اجزای ریز غائط بماند باید پاک شود اما اگر بوی غائط بماند اشکالی ندارد و این اجزای ریز غائط با استنجاء به سنگ می ماند پس استنجاء با سنگ بوده است

نظر استاد : روایت مجمل است و مراد امام (علیه السلام) از نقاء مجمل است؛ اگر مراد امام (علیه السلام) عین و اثر هر دو باشد روایت مربوط به آب است اما اگر منظور ذهاب عین باشد نه اثر این روایت مربوط به احجار می باشد و چون نمی‌دانیم حکم به اجمال می شود.